

## چکیده

بخشی از خطوط راهبردی رفتار خارجی دولت آمریکا با اتکا بر منابع قدرت نرم به پیش می‌رود. این قدرت بر رویکرد لیبرالیستی مبتنی و به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی اشاره دارد که در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است. این مفهوم در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ از سوی جوزف نای ارائه شد، اما پیش از او نیز دیگر نظریه‌پردازان به "منابع غیرمادی قدرت و کاربست آن در رفتار خارجی دولت‌ها" توجه داشته‌اند، این توجه در نظریه‌ی صلح دموکراتیک، تفسیر پساگرامشینی از چیره‌طلبی، سازه‌انگاری و..... قابل پیگیری است. اما بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، که سیاست مبارزه با تروریسم به اولویت سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد، نقش‌آفرینی این طیف از منابع قدرت (نرم‌افزاری) اهمیت ویژه‌ای یافت؛ در همین رابطه می‌توان به سه رویکرد زیر توجه کرد: رویکرد تغییر رژیم با هدف تحول نرم در مناطق مختلف؛ سیاست گسترش دموکراسی با هدف ایجاد حکومت‌های دموکراتیک در خاورمیانه و در نهایت، دیپلماسی عمومی با هدف تأثیر بر افکار عمومی.

کلیدواژه‌ها: نرم‌افزارگرایی، مبارزه با تروریسم، تغییر رژیم، گسترش دموکراسی، دیپلماسی عمومی

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات تحقیق

- ۸.....مقدمه.....
- ۹..... تشریح و بیان موضوع .....
- ۹..... ضرورت انجام تحقیق.....
- ۹..... اهداف اساسی از انجام تحقیق.....
- ۹..... سؤال اصلی تحقیق.....
- ۱۰..... سابقه‌ی تحقیقات و مطالعات انجام گرفته.....
- ۱۶..... مفاهیم تحقیق.....
- ۱۶..... چارچوب نظری.....
- ۱۶..... فرضیه‌ی تحقیق.....
- ۱۷..... بیان روش و متد تحقیق.....
- ۱۷..... روش‌های گردآوری اطلاعات.....
- ۱۷..... قلمرو تحقیق.....
- ۱۷..... محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق.....
- ۱۷..... سازماندهی تحقیق.....

### فصل دوم: چارچوب تئوریک؛ نظریه‌ی قدرت نرم

- ۱۹ - مقدمه.....
۱. دیدگاه نای بر محور "قدرت نرم": تعاریف، مفاهیم و روند تکاملی..... ۲۰
۲. نظریه‌های مربوط به کاربست منابع نرم قدرت..... ۲۸
- الف) نظریه‌ی صلح دموکراتیک، مبنای کانتی نظریه‌ی قدرت نرم..... ۲۸
- ب) مقوله‌ی "چیره‌جویی روشنفکرانه"، مبنای گرامشینی نظریه‌ی قدرت نرم..... ۳۶
- پ) مفهوم "فرهنگ جهانی"، مقدمه‌ی والرشتاینی نظریه‌ی قدرت نرم..... ۳۹
- ج) نظریه‌ی سازه‌نگاری، رویکردی ونتی به قدرت نرم..... ۴۲
۳. نظریه‌ی قدرت نرم؛ برآیندی چندوجهی از نظریه‌های روابط بین‌الملل..... ۴۴

### فصل سوم: پیشینه‌ی نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا

- ۴۷ - مقدمه.....
- ۱ - نرم‌افزارگرایی قبل از جنگ سرد..... ۴۸
- نرم‌افزارگرایی ویلسونی (۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱)..... ۴۸
- فرانکلین روزولت؛ نرم‌افزارگرایی در بستر طراحی نظم بعد از جنگ (۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵)..... ۴۹
- ۲ - نرم‌افزارگرایی در دوره‌ی جنگ سرد..... ۵۰
- ترومن؛ نرم‌افزارگرایی بر محور سیاست مهار (۱۹۴۵-۱۹۵۲)..... ۵۰
- نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آیزنهاور (۱۹۵۲-۱۹۶۰)..... ۵۲
- کندی؛ نرم‌افزارگرایی بر مبنای "وظیفه‌شناسی آمریکایی" (۱۹۶۱-۱۹۶۳)..... ۵۳
- نیکسون (- فورد)؛ نرم‌افزارگرایی بر محور آموزه‌ی تنش‌زدایی (۱۹۷۷-۱۹۶۹)..... ۵۴

- حقوق بشرگرایی در سیاست خارجی کارتر (۱۹۷۷-۱۹۸۱)..... ۵۶
- ریگان؛ نرم‌افزارگرایی در بستر ستیز بزرگ (۱۹۸۱-۱۹۸۹)..... ۵۸
- ۳ - نرم‌افزارگرایی در سیاست‌های آمریکا پس از جنگ سرد..... ۶۲
- بوش؛ نرم‌افزارگرایی جنگ سرد محور در عصر پس از آن (۱۹۸۸-۱۹۹۲)..... ۶۲
- سیاست خارجی کلinton بر مبنای پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر (۲۰۰۰-۱۹۹۲)..... ۶۶
- فصل چهارم: پی‌آمدهای واقعه‌ی سپتامبر ۲۰۰۱ بر سیاست خارجی نرم‌افزارگرایی آمریکا؛ با تأکید بر سه مؤلفه‌ی تغییر رژیم، گسترش دموکراسی و دیپلماسی عمومی**
- مقدمه..... ۷۲
- تأثیر ۱۱ سپتامبر بر سیاست خارجی آمریکا..... ۷۴
- ۱- تسلط رویکرد نومحافظه‌کاری بر رفتار خارجی آمریکا..... ۷۴
- ۲- تأمین امنیت سرزمین اصلی آمریکا در برابر حملات تروریستی از طریق بازنگری در ساختار و مأموریت‌های ارتش..... ۷۹
- ۳- توجه به چندجانبه‌گرایی در سایه‌ی باور بنیادین به مقوله "جهان تک قطبی"..... ۷۹
- ۴- بازنگری در سیاست منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و فناوری‌های پیشرفته..... ۸۰
- ۵- اهتمام به رویکرد نرم‌افزارگرایی..... ۸۰
- ۱) **تغییر رژیم**..... ۸۳
- چگونگی ارتباطی نظریه‌ی قدرت نرم با رویکرد تغییر رژیم..... ۸۳
- سیاست نرم‌افزاری تغییر رژیم در پیوند با آموزه‌ی مبارزه با تروریسم..... ۸۴

- ۸۷.....- صحنه های عملی آزمون سیاست تغییر رژیم (بعد از یازدهم سپتامبر).
- ۸۷.....-الف. تهاجم آمریکا به افغانستان.....
- ۸۹.....-سیاست های نرم افزاری آمریکا در مورد افغانستان بعد از حضور نظامی.....
- ۹۱.....-ب. تهاجم آمریکا به عراق.....
- ۹۳.....-سیاست های نرم افزاری آمریکا در عراق:.....
- ۹۴.....-نقد و ارزیابی سیاست های بوش بر محور رویکرد "تغییر رژیم" در افغانستان و عراق.....
- ۹۷.....-سیاست اوباما در مورد افغانستان و عراق.....
- ۹۸.....(۲) گسترش دموکراسی.....
- ۹۸.....- چگونگی ارتباطی نظریه ی قدرت نرم با رویکرد گسترش دموکراسی.....
- ۱۰۰.....-نگاهی کلی به رویکرد خاورمیانه ای آمریکا قبل یازدهم سپتامبر.....
- ۱۰۲.....-دمکراسی سازی در خاورمیانه بعد از یازدهم سپتامبر در پیوند با آموزه ی مبارزه با تروریسم.....
- ۱۰۳.....-سیاست های دولت بوش در مورد اهمیت دموکراسی سازی در خاورمیانه.....
- ۱۰۵.....-فتح عراق مقدمه ای بر تحول اجتماعی منطقه در قالب "طرح خاورمیانه ی بزرگ".....
- ۱۱۰.....-واکنش کشورهای عرب نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ.....
- ۱۱۱.....-نقد و ارزیابی طرح خاورمیانه ی بزرگ.....
- ۱۱۳.....- رویکرد گسترش دموکراسی در کابینه ی دوم بوش.....
- ۱۱۵.....-نقد و ارزیابی سیاست گسترش دموکراسی سازی آمریکا.....

- ۱۱۸.....-اوباما و دموکراسی در خاورمیانه
- ۱۲۰ .....**۳) دیپلماسی عمومی**
- ۱۲۰.....- چگونگی ارتباطیابی دیپلماسی عمومی با نظریه‌ی قدرت نرم
- ۱۲۱.....- کلیاتی در مورد "دیپلماسی عمومی"
- ۱۲۵.....- نقش "دیپلماسی عمومی" در سیاست خارجی آمریکا
- ۱۲۹.....- نقش دیپلماسی عمومی بعد از ۱۱ سپتامبر در پیوند با آموزه‌ی مبارزه با تروریسم
- ۱۳۳.....-اوباما و دیپلماسی عمومی
- ۱۳۵.....- نتیجه‌گیری
- ۱۳۷.....- کتابنامه (منابع و مأخذ)

فصل اوّل:

کلیات تحقیق

#### مقدمه:

نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا که به چگونگی بهره‌برداری این دولت از منابع نرم قدرت مانند «فرهنگ آمریکایی»، «حضور نافذ در نهادهای اقتصادی بین‌المللی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی»، «گسترش دموکراسی»، و... تأکید دارد؛ همواره در طول تاریخ این سرزمین خاصه از دوره ویلسون مدّ نظر بوده است. جهت‌گیری یادشده در سال‌های بعد از جنگ دوّم جهانی و بویژه در دوره‌ی جنگ سرد به یکی از جلوه‌های بارز رفتار خارجی این دولت تبدیل شد، البته در دهه‌ی پایانی قرن بیستم و به ویژه بعد از واقعه‌ی سپتامبر ۲۰۰۱ با ویژگی‌های جدیدی در قالب سیاست مبارزه با تروریسم همراه شد. در این راستا بررسی میزان اثربخشی سیاست مبارزه با تروریسم بر ابعاد نرم‌افزاری سیاست خارجی آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر (۲۰۱۰-۲۰۰۱) از ابعاد «گسترش دموکراسی»، «تغییر رژیم» و «دیپلماسی عمومی» دغدغه‌ی اصلی این پژوهش می‌باشد.



## -تشریح و بیان موضوع :

کشورها در مسیر تحقق اهداف و منافع ملی خود، از منابع مختلف قدرت بهره می‌برند که ماحصل آن را در توسل به سیاست‌های سخت و نرم‌افزاری (قدرت) می‌توان ملاحظه کرد. این نوع تنوع‌طلبی درحوزه‌ی رفتار خارجی آمریکا، با ویژگی‌های خاصی همراه شده است. در این میان، «نرم‌افزارگرایی» به تأثیرپذیری رفتار فراملی این دولت از برخی ملاحظه‌های لیبرالیستی اشاره دارد؛ رفتاری که به تدریج در طول تاریخ این سرزمین ریشه گرفت. در پی پایان جنگ سرد و خاصه طرح نظریه‌ی «قدرت نرم» از سوی جوزف نای، مقوله‌ی نرم‌افزارگرایی از بستر تئوریک مشخصی برخوردار شد. در این متن تحقیقی ضمن بهره‌گیری از چارچوب نظری نای، سعی می‌شود که در قالبی ابتکاری «نظریه‌ی قدرت نرم» بر مبنای خاستگاه آن در نظریه‌های انتقادی روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه، سیاست نرم‌افزاری این دولت بویژه در دوره‌ی بوش (بعد از یازدهم سپتامبر) که با تأکید بر آموزه‌ی مبارزه با تروریسم همراه است، از زوایای گسترش دموکراسی، تغییر رژیم و دیپلماسی عمومی واکاوی خواهد شد.

## -ضرورت انجام تحقیق :

کم‌توجهی نویسندگان در خصوص چارچوب تحلیلی نظریه‌ی قدرت نرم؛ و شناخت ابعاد نرم‌افزاری سیاست امنیت‌گرای مبارزه با تروریسم در سال‌های بعد از یازدهم سپتامبر.

## -اهداف اساسی از انجام تحقیق :

آشنایی با آخرین تحولات رفتار خارجی آمریکا به ویژه از بعد رویکرد نرم‌افزاری در مناطق مختلف بویژه خاورمیانه. مسلماً این قبیل آثار پژوهشی دستمایه‌ی مناسبی برای تصمیم‌گیرندگان حوزه‌ی سیاست خارجی پدید خواهد آورد.

## -سوال اصلی:

چرا نرم‌افزارگرایی درسیاست خارجی آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر در مقایسه با گذشته اهمیت بیشتری یافت؟

-سابقه‌ی تحقیقات و مطالعات انجام گرفته:

الف. منابع فارسی

کتاب:

۱. حسین دهشیار، سیاست خارجی آمریکا در آسیا، (تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲). در این کتاب ماهیت سیاست خارجی آمریکا و مبانی تئوریک حاکم بر سیاست خارجی (ضمن اشاره کوتاه به برخی مواضع لیبرالیستی و نرم) این دولت بررسی شده و سپس به کاربست آن در برخی مناطق بحرانی بویژه عراق، جهان عرب و...، توجه شده است.

۲. کتاب آمریکا (۴)، ویژه نومحافظه کاران آمریکا، (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳). این کتاب به طور عمده تبارشناسی نومحافظه کاران، دیدگاه‌های آنان در ارتباط با تهاجم نظامی به عراق، و برخی ویژگی‌های "امپریالیسم لیبرالی" این دولت را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳. دکترین امنیتی ملی بوش در خاورمیانه، (تهران: مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۲). در این اثر که در قالب مجموعه مقاله می‌باشد، به مهم‌ترین ابعاد رفتار خارجی دولت بوش در حوزه‌ی خاورمیانه توجه شده است، که در این میان مقوله‌هایی چون سلاح‌های کشتار جمعی و دیگر مسائل امنیتی این منطقه مورد تأکید است.

۴- پال فیندلی، وزارتوی سیاست ایالات متحده در خاورمیانه، برگردان سبحان رضایی، علی جعفری، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶). این کتاب بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا بویژه از زاویه‌ی نفوذگذاری لابی‌های صهیونیسم در شریان‌های این نظام تصمیم‌گیری توجه دارد.

۵- نوام چامسکی، هژمونی یا بقا: تلاش آمریکا برای سیطره‌ی جهانی، ترجمه آسوده نوین، (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷). در این کتاب به موضوعاتی چون یک‌جانبه‌گرایی در رفتار خارجی دولت بوش و جلوه‌های بحران‌آفرینی آن در مناطق گوناگون اشاره شده، و در نهایت می‌کوشد که آثار این نوع جهت‌گیری را از بعد ترویج تروریسم دولتی مورد تأکید قرار دهد.

## مقالات

۱. ریچارد هاس، "خاورمیانه‌ی جدید"، ترجمه، م. مهدوی‌فر، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل و تروریسم (۱)، شماره اول (بهار ۱۳۸۶). در این مقاله که به قلم یکی از معروف‌ترین تحلیل‌گران حوزه‌ی مسائل خاورمیانه نوشته شده، ضمن اشاره به تاریخچه‌ای از مسائل این منطقه، ملاحظه‌های جدید ناظر بر سیاست خارجی آمریکا در اواخر دوره‌ی بوش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. گریگوری گاس، "آیا دموکراسی می‌تواند مانعی برای تروریسم باشد؟"، ترجمه حسین سرتیپی، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل و تروریسم (۱)، شماره اول (بهار ۱۳۸۶). در این اثر سعی شده که سیاست بوش بر محور گسترش دموکراسی در خاورمیانه از زاویه‌ی رویکرد مبتنی بر کاهش فعالیت‌های تروریستی در این منطقه مورد نقد قرار گیرد.

۳. ابوذر گوهری مقدم، "مروری بر تغییر پارادایمی در سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش"، راهبرد یاس، شماره ۱۶، (زمستان ۱۳۸۷). این مقاله می‌کوشد که بازتاب حادثه‌ی یازدهم سپتامبر را از زاویه‌ی بروز تحول در استراتژی کلان آمریکا، مورد توجه قرار داده و از رهگذر آن، علل پافشاری این دولت بر طرح "خاورمیانه‌ی بزرگ" را بررسی کند.

### پایان نامه‌های کارشناسی ارشد

۱. مهدی عناصری، تأثیر هژمونی ایالات متحده آمریکا بر امنیت در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر نمونه عراق، ۱۳۸۵. هدف پژوهش مزبور بررسی تأثیر برتری هژمونیک ایالات متحده آمریکا بر شکل و وجود امنیت در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر و با مطالعه موردی عراق است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با قبول هژمونی ایالات متحده در سطح جهانی و بین‌المللی، ایالات متحده به عنوان مهم‌ترین بازیگر در منطقه‌ی خاورمیانه به حساب آمده و در عین حال از نقشی مثبت در ایجاد امنیت در این منطقه برخوردار است.

۲. محمدعلی قوهستانی، نقش و عملکرد سیاست ایالات متحده در رشد و گسترش پدیده تروریسم و رادیکالیسم در منطقه خاورمیانه، ۱۳۸۲. هدف پژوهش بررسی سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا در منطقه - ی خاورمیانه و رابطه‌ی آن با عملیات تروریستی بر علیه منافع آمریکا است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. نتیجه‌ی کلی نشان می‌دهد سیاست مداخله‌گرایانه‌ی این دولت در منطقه‌ی خاورمیانه و حمایت‌های گسترده از رژیم‌های استبدادی و اشغالگر بویژه رژیم اسرائیل، باعث بروز پدیده‌ی تروریسم و رادیکالیسم در این منطقه شده که این پدیده بیشتر متأثر محیط اجتماعی خاص منطقه‌ی خاورمیانه بوده است.

۳. امیرهوشنگ میرکوشش، نقش قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر خاورمیانه، ۱۳۸۷. این پایان‌نامه ابعاد سخت قدرت در قالب توانمندی نظامی و قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا را در رابطه با منطقه‌ی خاورمیانه مورد توجه قرار می‌دهد.

۴. بهزاد یارنظری، مواضع ایالات متحده نسبت به شورای امنیت ملل متحد در مورد دخالت نظامی این کشور در عراق، ۱۳۸۶. هدف پژوهش بررسی دلایل دخالت نظامی آمریکا در عراق و بی‌توجهی این کشور به شورای امنیت سازمان ملل متحد است؛ تا در قالب آن اهداف و منافع آمریکا در خاورمیانه بهتر نمایان شود. نوع تحقیق از نوع توصیفی بوده که به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که استراتژی ایالات متحده در منطقه‌ی خاورمیانه و دخالت نظامی در عراق بدون توجه به نظر شورای امنیت، نشانه‌ی یک‌جانبه‌گرایی و تسلط بر منطقه به منظور تکمیل هژمونی و تغییرات اساسی در نظام حکومتی کشورهای منطقه به منظور پیشبرد منافع اقتصادی سیاسی مورد نظر می‌باشد.

ب. منابع انگلیسی

کتاب

1. Jim Garrison, **American as Empire; Global Leader or Rogue Power?**, (Sanfrancisco: Berret-Kohler Publishers, Inc., 2004)

در این کتاب، اشاره شده که آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر به یک امپراتوری میان ملت‌های دیگر تبدیل شده است. در این راستا چیرگی قدرت این دولت بر دیگر قدرت‌های جهان، مسائل تجاری و اقتصادی و برتری نظامی دانسته شده است. در ادامه به دنبال تهدیدات تروریسم و بنیادگرایی، الزامات این امپراتوری (آمریکا)، جهت حفظ برتری خود و تأمین امنیت جهانی محور اصلی کتاب می‌باشد.

## **2. Gary Hart, The Power: A Grand Strategy for United States In The Twenty First Century,(Oxford University Press.2004).**

توصیه به سیاستمداران آمریکایی در خصوص جهت‌گیری مناسب و درست سیاست خارجی ایالات متحده در قرن بیست و یکم، محور اصلی کتاب است. از این زاویه اتکا به قدرت چهارم که همان اصول خاص آمریکایی یعنی: آزادی‌های معطوف به قانون اساسی، حکومت انتخابی و آزادی‌های مطبوعاتی است، جهت ارتقای وجهه بین‌المللی آمریکا مدنظر قرار گرفته است.

## **3 .c.w.walldorf. Just Politics: Human Rights and the Foreign policy of Great Powers,(Ithaca,NY,Cornell Yniversity Press.2008).**

در این کتاب سعی می‌شود که سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا از زاویه تأثیرپذیری آنان از نگرش‌های دموکراتیک مورد بررسی قرار گرفته، و از این زاویه رویکرد اهتمام بر گسترش حقوق بشر واکاوی شود.

## **4. S.Bromley, American Power and the Prospects for International Order,(Oxford: Polity Press , 2008).**

این کتاب در پی آن است که سیاست آمریکا در جهت بسیج منابع قدرت را از بعد تأثیرگذاری بر تحولات نظم بین‌المللی مورد توجه قرار دهد. در این ارتباط مضامینی چون "جامعه‌ی مدنی جهانی" در کنار تحولات ژئوپلیتیکی متأثر از نقش تفوق‌طلبانه‌ی این دولت مورد تأکید است.

### **مقاله**

## **1. J. Dobbins, "Security the Peace: Presidents and Nation Building from FDR to G.W.Bush", Survival, Vol.50,No.6,(Des 2008-Jan 2009).**

این مقاله به مفهوم "ملت‌سازی" و سابقه‌ی آن در سیاست خارجی آمریکا در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم پرداخته و در این ارتباط بر جایگاه این مفهوم در رفتار خارجی بوش در شرایط جدید بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ تأکید دارد؛ دوره‌ای که این دولت نسبت به آثار شرایط داخلی دولت‌های فرومانده بر امنیت جهانی از حساسیت بالایی برخوردار شده است.

**2. H.Sun, "International Political Marketing:a case study of U.S Soft Power and Public Diplomacy, Journal of Public Affairs,Vol.8,(2008).**

این مقاله می‌کوشد که مقوله‌ی قدرت نرم و جایگاه آن در سیاست خارجی آمریکا را از بعد برخی مؤلفه‌های داخلی چون پروسه‌ی انتخابات،...، مورد تأکید قرار داده و بازخورد این جریان را در عرصه‌ی دیپلماسی عمومی این کشور بررسی کند.

**3.Layne, Christopher, "Impotent Power", The National Interest, (Sep/Oct/2006).**

در این مقاله، هژمونی آمریکا از دو زاویه‌ی بازدارنده - اجبارکننده به ویژه در افغانستان و عراق مورد بررسی قرار گرفته که در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ۱- ناتوانی در بهره‌گیری در قدرت بازدارنده (مورد افغانستان - عراق)، ۲- ظهور بازیگران جدید در صحنه‌ی قدرت جهانی نظیر هند، چین و اروپای واحد، ۳- ظهور شرایط چندجانبه در توزیع قدرت جهانی. هژمونی فقط یک استراتژی بزرگ هزینه‌بر نیست و همواره تداوم و پایداری هم نخواهد داشت. بر این اساس رئالیست‌ها (مورگنتا، والتز، ...) همواره برای آمریکا ضرورت توجه به پارادوکس میان اهداف مطلوب و اهداف قابل دسترس را متذکر شده‌اند.

**4. L. Cal Brown, Presumed Innocent Lesson the for the New Middle East, Forehgn Affairs, Vol 88, No.1.(January/February2009).**

این مقاله که به بررسی کتاب مارتین ایندیک با همین عنوان می‌پردازد، با بررسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه در طول هشت سال ریاست جمهوری کلینتون به دنبال ارائه درس‌هایی جهت سیاست جدید آمریکا در قبال این منطقه می‌باشد. در این مسیر، پرهیز از موضع‌گیری‌های یک‌جانبه مدنظر

قرار گرفته است. در نهایت عنوان شده که، در انتقال حکومت از کلیتون به بوش نیاز به اقدام تهاجمی تر برای جبران عملکرد ضعیف گذشته وجود داشت.

#### 5. Piki ish-Shalom, The Civilization of Clashes: Misapplying the Democratic Peace in the Middle East, **Political Science Quarterly**, Vol22, (2007).

این مقاله دارای چهار بخش می‌باشد. بخش اول به تشریح دلایل حمایت نومحافظه‌کاران از نظریه صلح دموکراتیک پرداخته شده؛ که در این میان حملات ۱۱ سپتامبر نیز از جمله دلایل گرایش به این نظریه جهت حفظ صلح دانسته شده است. در ادامه بررسی این نظریه و در کنار آن، نتایج اتخاذ این نظریه مورد اهتمام قرار گرفته است. بخش آخر مقاله با رویکردی انتقادی به این نظریه خاتمه می‌یابد.

#### 6. Delahunty- Yoo, Robert- John, "Lines in the Sand", **The National Interest**, (Jan./Feb.2007)

در این مقاله نویسندگان این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهند که آمریکا تا چند سال آینده باید مشخص کند که منافعش در حفظ دولت - ملت‌های تهدیدشده بیشتر تأمین می‌شود یا در برچیدن این دولت - ملت‌ها (حداقل در مورد عراق). نویسندگان عنوان می‌دارد، که حمایت گروهی از تقویت شبکه‌ها و نهادهای بین‌المللی به جای ملت - دولت‌ها رونق یافته است و دولت‌های ناکام به چالشی محوری در سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر تبدیل شده‌اند.

با توجه به توضیحاتی که در بالا آمد، مشخص می‌شود که پژوهش پیش‌رو حداقل از دو بعد نسبت به موارد مزبور تفاوت دارد. نکته‌ی اول به چارچوب نظری ارتباط می‌یابد؛ به این معنا که بخش گسترده‌ای از بررسی‌های مربوطه، نرم‌افزارگرایی در رفتار خارجی آمریکا را به طور عمده از زاویه‌ی رویکرد نظری جوزف نای مورد توجه قرار داده و به دیگر دیدگاه‌های مؤثر و قوام‌بخش این الگوی نظری بی‌توجه بوده‌اند. مورد بعد به شاخص‌های عملی رویکرد نرم‌افزاری این دولت ارتباط می‌یابد. به عبارت دیگر، به طور معمول منابع و مراجع مربوط سعی در بررسی یکی از این شاخص‌ها چون گسترش دموکراسی داشته‌اند. بر این مبنا، متن حاضر به دلیل اهتمام هم‌زمان بر سه شاخص گسترش دموکراسی، تغییر رژیم و دیپلماسی عمومی از ویژگی خاصی برخوردار است.

- مفاهیم تحقیق:

مبارزه با تروریسم (Combating Terrorism): این سیاست به جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی آمریکا در فضای بعد از یازدهم سپتامبر اشاره دارد. بر این مبنای، این دولت می‌کوشید از منابع گوناگون سخت و نرم‌افزاری قدرت برای پیشبرد اهداف ناظر بر رویکرد مبارزه با تروریسم بهره‌برداری کند.

نرم‌افزارگرایی: این اصطلاح به چگونگی بهره‌برداری آمریکا از منابع نرم‌قدرت چون "فرهنگ و ارزش-های آمریکایی" اشاره دارد؛ اما از زاویه‌ای گسترده‌تر به آن بخش از سیاست‌های نرم این دولت تأکید دارد که به تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه‌ها، قوانین بین‌المللی و نرم‌های فرهنگی در عرصه‌های داخلی و فراملی، منجر می‌شود.

گسترش دموکراسی (Spreading Democracy): از جمله مواضع لیبرالیستی آمریکا در سال‌های بعد از جنگ سرد می‌باشد که به ویژه در دوره‌ی بوش (دوم) در مورد کشورها در مناطق گوناگون خاصه خاورمیانه با هدف «ایجاد جوامع آزاد و دموکراتیک» مورد توجه و اهتمام قرار گرفت.

دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy): این اصطلاح به بهره‌گیری از دیپلماسی در جهت "تأثیرگذاری بر افکار و قلوب ملت‌ها و نخبگان علمی و فرهنگی" در جوامع مختلف اشاره دارد، که متناسب با طیف مخاطب، با توجه به شیوه‌ها و سازوکارهای نرم‌افزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- چارچوب نظری:

چارچوب پژوهش حاضر "نظریه‌ی قدرت نرم" می‌باشد؛ که در آن ضمن بهره‌گیری از چارچوب نظری نای، سعی می‌شود که در قالبی ابتکاری "نظریه‌ی قدرت نرم" بر مبنای خاستگاه آن در نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل (چون نظریه‌ی صلح دموکراتیک، نظریه‌ی هژمونی گرامشی، نظریه‌ی نظام جهانی والرشترین و نظریه‌ی سازه‌انگاری) مورد بررسی قرار گیرد.

- فرضیه‌ی تحقیق:



سیاست مبارزه با تروریسم در چارچوب سه مؤلفه‌ی «گسترش دموکراسی»، «تغییر رژیم» و «دیپلماسی عمومی» به افزایش اهمیت نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا منجر شده است.

#### - بیان روش و متد تحقیق:

روش تحقیق تاریخی - علی می‌باشد.

#### - روش‌های گردآوری اطلاعات:

کتابخانه‌ای و اسنادی.

#### - قلمرو تحقیق:

حداصل سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰.

#### - محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق:

پژوهش حاضر همچون دیگر موضوع‌های جدید با محدودیت‌ها و تنگناهای ویژه‌ای روبرو بوده است. در واقع، برخی وجوه تازه بودن و ابتکاری بودن آن؛ مشکل بهره‌گیری از منابع لاتین؛ کمبود آثار اعم از کتاب و مقالاتی که بطور مستقیم با موضوع پژوهش ارتباط داشته باشند، مشکلاتی را به دنبال داشت.

#### - سازماندهی تحقیق:

این پژوهش در چهار فصل سازماندهی شده است. فصل اول به کلیات پژوهش مربوط است. در فصل دوم به بررسی نظریه‌ی قدرت نرم به عنوان چارچوب تئوریک این پژوهش پرداخته می‌شود. فصل سوم اختصاص به بررسی پیشینه‌ی سیاست‌های نرم‌افزاری ایالات متحده آمریکا از آغاز ریاست جمهوری ویلسون تا پایان دوره‌ی ریاست جمهوری کلینتون دارد. در فصل چهارم فرضیه‌های تحقیق یعنی سه مؤلفه تغییر رژیم، گسترش دموکراسی و دیپلماسی عمومی در چارچوب سیاست کلی مبارزه با تروریسم و در راستای اهتمام به رویکرد نرم‌افزاری بعد از ۱۱ سپتامبر مورد توجه است.

## فصل دوم : چارچوب نظری

### نظریه‌ی قدرت نرم

## مقدمه

مفهوم قدرت نرم (Soft Power) در طول دو دهه‌ی گذشته به یکی از مهم‌ترین مباحثی اشاره دارد که در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است. این مفهوم که به چگونگی بهره‌برداری این دولت از منابع نرم قدرت مانند "فرهنگ آمریکایی"، "حضور نافذ در نهادهای اقتصادی بین‌المللی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی"، "گسترش دموکراسی"، و... تأکید دارد؛ به گونه‌ای خاص با نام جوزف نای پیوند خورده است. این نویسنده‌ی نولیبرال که از سابقه‌ی طولانی در حوزه‌ی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل برخوردار است، در طول سال‌های اخیر یعنی در واقع از مقطع پایان جنگ سرد، آثار فراوانی را در خصوص قدرت نرم و عناصر تحلیلی آن ارائه داده است. در کنار این مسئله می‌توان عنوان نمود که نرم‌افزارگرایی در رفتار خارجی دولت‌ها به ویژه قدرت‌های بزرگی چون آمریکا، فراتر از دیدگاهی که از اندیشه‌های نای تأثیر پذیرفته، به حوزه‌های گوناگونی در عرصه‌ی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل ارتباط می‌یابد. بر این اساس، در این فصل تحت عنوان "نظریه‌ی قدرت نرم" ضمن تأکید بر جایگاه خاص آراء نای، سعی می‌شود که مبانی نظری این بحث در رابطه با نظریه‌هایی چون، "صلح دموکراتیک"، "تفسیر گرامشی از مقوله‌ی چیره‌طلبی"، نظریه نظام جهانی"، و "سازه‌انگاری"، بررسی شود. در این راستا ابتدا به توضیح نظریات مزبور پرداخته و در ادامه نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با قدرت نرم مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

## ۱) دیدگاه نای بر محور "قدرت نرم"؛ تعاریف، مفاهیم و روند تکاملی

قبل از پرداختن به دیدگاه جوزف نای در خصوص قدرت نرم (Soft Power) و روند تحول آن در طول بیش از دو دهه‌ی گذشته، ذکر دو نکته ضروریست: نکته‌ی اول به سابقه و جایگاه وی در حوزه‌ی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل باز می‌گردد. وی به آن دسته از اندیشمندان آمریکایی تعلق دارد که در طول دهه‌های گذشته از نقش تأثیرگذاری درحوزه‌ی لیبرال این عرصه‌ی نظریه‌پردازی برخوردارند. آراء نای (در کنار رابرت کیوهن) در دهه‌های هفتاد و هشتاد که به طرح و تقویت مکتب "وابستگی متقابل" و به ویژه نظریه‌ی "نهادگرایی نولیبرال" منجر شد، (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۳۲) برای تمامی دانش‌پژوهان حوزه‌ی مطالعات بین‌المللی آشناست. نکته‌ی بعد به بستر زمانی طرح آراء وی باز می‌گردد. در واقع، نای نظرات خود در مورد قدرت نرم و کارکرد آن در سیاست خارجی آمریکا را در زمانی مطرح کرد که در پی فروکش کردن شراره‌های جنگ سرد و آغاز موج جدیدی از تنش‌زدایی در روابط دو ابرقدرت، سیاستمداران و نظریه‌پردازان آمریکایی با دستورکار جدیدی بر محور "طراحی الگوی نقش‌آفرینی در عرصه‌ی فراجنگ سرد" مواجه بودند (برژینسکی و هانتز، ۱۳۶۸: ۶ و نیکسون، ۱۳۷۷: ۲۷). در این شرایط تفسیر نای از قدرت نرم به عنوان نافذترین منبع قدرت آمریکا در جهت تأثیرگذاری بر رفتار دیگر دولت‌ها و اعمال مدیریت بر تحولات نوظهور بین‌المللی، رویکردی نوآورانه بود که از سوی علاقمندان به این قبیل تجویزهای لیبرال‌گرا نیز با استقبال روبرو شد. وی ابتدا در سال ۱۹۹۰ مقاله‌ای بر محور "ماهیت متحول قدرت" (Nye, 1990: 177-192) منتشر ساخت، که شالوده‌ی نظریه‌ی قدرت نرم را مشخص می‌کرد، محورهای این مقاله عبارتند از:

. در بررسی قدرت، همواره باید پیچیدگی‌های مربوط به «تبدیل قدرت» (Power Conversion) و اینکه کدام یک از منابع، بهترین مبنا برای قدرت (در وضعیت خاص) به‌شمار می‌رود، حساسیت داشت. وی تأکید داشت که در چارچوب کلی منابع متحول قدرت، باید میان «روش اعمال مستقیم قدرت یا شیوه آمرانه» (Directive or Commanding Method of Exercising Power) و روش اعمال غیرمستقیم قدرت یا رفتار متقاعدکننده‌ی قدرت (Power Behavior Indirect or Co-Optive) تمایز قائل شد. در مورد اول، مضامین تشویق و ترغیب‌کننده یا تهدیدآمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در نوع دیگر، مسائلی چون جاذبیت